

## شناسه ائمه و سادات

از زمانی که در کتابخانه های میهن ما، تهیه فهرست برگه ای، به سبک غربی مرسوم شده است، فهرست نگاران، هنگام تهیه فهرست و ترتیب الفبایی مولف یا موضوع، عموماً القاب و عناوین اشخاص، مانند آقا، آیه الله، امام، افندی، امیر، خان، سرهنگ، سلطان، سید، صدر، شیخ، علامه، میرزا...<sup>(۱)</sup>، را حذف نموده اند. این کار، که در تهیه فهرست، به عنوان «پیراستن شناسه» یا «حذف نشانه های تعظیم» شناخته شده است؛ دستیابی به نام ها را آسان تر می سازد. در عین حال، چنانچه در این میان استثنائاتی قابل ملاحظه باشد، مراجعه کننده (یا خواننده) از طریق «ارجاع» به شکلی که در فهرست بکار رفته است، راهنمایی می شود. چنانکه از: طهرانی، به آقا بزرگ تهرانی، و از: حلی، به علامه حلی، و از: بهایی، به شیخ بهایی، ارجاع داده می شود.

اهمیت کاربرد «ارجاع» در تدوین فهرست ها، فرهنگنامه ها و نمایه ها و بطور کلی «خدمات مرجع» بر اهل تحقیق پوشیده نیست. بایستوانه «ارجاع» فهرست نگار (محقق)، اطمینان حاصل می نماید که مراجعه کننده، یا خواننده اثر، هر نام یا عنوانی را عادتاً بکار برد؛ به موضوع مورد نظر خواهد رسید.

اما آنچه که در ساختار ارجاع قابل اهمیت است، سندیت، مصطلح بودن و با عمومیت کاربرد واژه یا واژه های مورد نظر، نزد اکثریت مراجعان است. آموزش مراجعه درست، بعنوان یکی از وظائف فرهنگی کتابدار، نیز بر این اصل متکی است.

محدودیت شکل های مورد استفاده در راهنمایی و ارجاع به یک نام یا عنوان نیز تا زمانی که ماشین (کامپیوتر) به یاری محقق نیامده است، قابل اهمیت است.

اکنون در این مقال، بر اساس تجربه ای که از رویارویی نسبتاً طولانی، با مراجعان کتابخانه، در رابطه با دو واژه «سید» و «امام» حاصل آمده است؛ مستثنی شدن این دو واژه، از شمول قاعده «نشانه های تعظیم»، به شکل حذف؛ و احیاناً تغییر در شکل ارجاعی، به صورتی که معمول فهرست

۱- بنگرید به «فهرست مستند اسامی مشاهیر» / مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۶-

نگاران شده است، پیشنهاد می شود<sup>۱</sup>. مقدمتاً بدنیست از یک قانون طبیعی یاد شود که: هر کس حق دارد به نامی که دوست دارد، نامید شود. حال، کسانی که از طریق نسب، یا خاندان عصمت و طهارت افتخار پیوند دارند، عموماً از واژه «سید» به شکل پیشنام، استفاده می کنند.

ازون براین، از زمان صدور شناسنامه در ایران، این پیشنام، در شناسنامه ها وارد شده است. و در آنچه که، اسناد و مدارک تلقی می شود، ضبط آن ضروری است. و به این ترتیب واژه «سید» از یک سوم میز هویت شخصی بحساب می آید. چنانکه اگر گفته شود. محمد مشکوة، پرسیده می شود: آیا منظور، همان سید محمد مشکوة، استاد دانشگاه تهران است؟ و از سوی دیگر در موارد تشابهات اسمی، می تواند بعنوان وجه اختلاف (یا تنوع و تفکیک) مورد استفاده قرار گیرد (در پاره ای از کتب رجال که در شرح حال علماء و سادات تهیه شده است به این مساله توجه شده است) در عین حال افزودن پیشنام «سید» (به نام کوچک) تغییری در وضع الفبایی فهرست، که مبتنی بر شهرت یا نام شهر، تدوین می گردد، به وجود نمی آورد و نیاز به تهیه «ارجاع» از نام کوچک و شکل بدون سید به «سید...» نخواهد بود.

اکنون از یک قانون طبیعی دیگر یاد کنیم که: هر جامعه ای حق دارد رجال (خاص) خود را به عمان صورت که دوست دارد، بنامد.

گاهی پیشنام «امام» به همراه نام اشخاص بکار رفته است چنانکه در: امام محمد غزالی یا امام فخر رازی و جز ایشان، که حذف لقب یا پیشنام امام، هنگام تهیه فهرست الفبایی، جایز خواهد بود. اما زمانی که از واژه «امام» به معنی خاص آن، یعنی امام معصوم و منصوص

۱- هدف از تهیه این مقاله، حفظ سندیت و یکنواختی در نام «سادات» (به شرح متن) و نزدیکتر شدن به سائقه طبیعی اکثریت مراجعان در دستیابی به منابع مربوط به ائمه معصومین صلوة الله علیهم اجمعین بوده است و برای پیشگیری از پاره ای توهمات و تکمیل مطالب متن اضافه می شود که آنچه در مورد سادات بیان شده، تنها مربوط به نام کوچک ایشان است. در ترتیب نام ائمه هم ردیف کردن نام ایشان از اولین تا دوازدهمین، مورد نظر نبوده است که در آن صورت لازم می آمد با استفاده از ارقام هندسی گفته شود: امام ۱، امام ۲، ... بلکه کوشش در انتخاب میانگینی در جهت عمومیت تداول عامه مراجعان است. البته مراجعان فارسی زبان عموماً در مورد اولین و آخرین امام (عادتاً) شناسه: حضرت علی (ع) و حضرت مهدی (ع) را بکار می برند اما در مورد سایر ائمه علیهم السلام با پیشنام «امام» نام مورد نظر را بیان می کنند چنانکه: امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، ... تمهید دیگری که از تغییر شکل متداول شناسه ائمه (میان فهرست نگاران) منظور بوده است. کمک به مراجعانی است که احیاناً نام خاص (کوچک) امام مورد نظر را به یاد نداشته باشند و نیز سایر نظریات که در متن به آنها اشاره شده است.

و مفترض الطاعه و عالم به ضمایر و صاحب کرامات و شفاعت و ... منظور است؛ آیا می توان این واژه را صرفاً یک نقب حذف شدنی بحساب آوریم؟ در حالیکه، در آنچه حق طبیعی جامعه (مسلمان) یاد کردیم، ایشان می گویند: امام حسین (ع)، امام رضا (ع)، امام زین العابدین (ع)، امام هادی (ع) و امام زمان (عج). ولی فهرست نگار می نویسد: حسین بن علی (ع)، علی بن موسی (ع)، علی بن حسین (ع)، علی بن محمد (ع)، مهدی بن حسن (عج) و عموماً لازم می آید مراجعان را از «امام ...» به نام کوچک راهنمایی کنند. و از امام رضا (ع) به علی بن موسی و از امام هادی (ع) به علی بن محمد ارجاع دهد.

بحث قیاس از سرشناسان و نام آوران و پادشاهان و حکومتگران هم مناسبت چندانی با ائمه اثنی عشر سلام الله علیهم اجمعین نخواهد داشت، که پادشاهی و حکومت در خطر عزل و خلع و کودتا و اسارت است و آنرا با مقام «امامت» که بعقیده شیعیان از طرف وهاب ذوالجلال به امام علی بن ابیطالب (ع) و یازده فرزندش، عنایت شده است چه جای مقایسه؟ و اینکه گفته شود امامت از عقاید امامیه است و ضبط پیشنام «امام» با مخالفت غیر امامیه روبرو خواهد بود، نیز محل بحث نیست. زیرا واژه «امام» در اینجا براساس گزینش «شناسترنام» پیشنهاد شده است. افراد غیر مسلمان هم که با نام ائمه اثنی عشر، از طریق مسلمانان، و به شکل: امام حسین (ع)، امام حسن (ع) ... آشنا شده اند، لزومی ندارد به تحقیق کشانده شوند که مثلاً نام کوچک امام هادی (ع) چه بوده است و پس از آن به مجهول خود راهنمایی شوند.

اکنون می توانیم از آنچه گذشت به شکل یک جمع بندی کلی سخن گوئیم و آن اینست که گاهی «نشانه تعظیم» ناشی از گذشت زمان و افزایش سن، صاحب نام است چنانکه در مورد آقا و جناب دیده می شود. و گاهی با افزایش مقام اداری یا علمی، مثل: سرهنگ، آیه الله، امیر لشکر، ...

اما دو واژه «سید» و «امام» چنانکه گذشت در طول زندگی و پس از فوت صاحب نام، بدون تاکید بر افزایش سنی یا علمی، شکل «شناستر نام» را (به همراه نامی که پس از آن می آید) القاء می نمایند. و البته ممکن است آنچه در این پیشنهاد ارائه شد با بعضی از تفاسیر قوانین انگلو-امریکن سازگاری نداشته باشد. در اینجا خاطره سرچ عالیقدر شیعه، مرحوم وحید بهبهانی نقل می شود که فرموده است: یک وقت هلال ماه شوال، به تواتر ثابت شد. آن قدر افرادی آمدند و گفتند ما، ما را دیدیم، که برای من یقین حاصل شد و حکم به عید کرده، یکی از اخبارین (اصحاب حدیث) به من اعتراض کرد، که خودت ما را ندیده ای و کسانی هم که شهادت داده اند «سلم العداله» نبوده اند. چرا حکم کردی؟ گفتم: از تواتر برای من یقین حاصل شد. گفت در کدام حدیث وارد شده، که تواتر حجت است؟ (۱)

اکنون چنانچه این پیشنهاد مورد قبول واقع شود، لازم است نام‌های ائمه اثنی عشر که در شناسه‌های موضوع و مؤلف بایشنام «امام» تحریر می‌یابند؛ در هریک از سوارده‌گانه که نام کوچک یا لقب در میان مردم شناستر و معمول‌تر هستند، به همان شکل به کار برده شود. این روش، اختصار و صرفه‌جویی در تحریر را هم به همراه خواهد داشت. در جدول زیر تحریر نام‌های مورد نظر در سه حالت، یادداشت و مقایسه شده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی